

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۵۹ - ۷۴

تبیین مسئله مهدویت در رویکرد امام صادق علیه السلام بر مبنای کتاب الغیبه نعمانی

سید محمدتقی موسوی کراماتی^۱

چکیده

مسئله مهدویت از بنیانی ترین اصول اعتقادی شیعه است. چندان که با این اصل می توان تمایزی خاص میان تشیع و دیگر مکاتب باورمند به موعودگرایی ملاحظه کرد. شیعه پرچمدار قرائتی خاص از موعودگرایی در چهارچوب باور به مهدویت شخصی و موجود بوده است. در دوره امام صادق علیه السلام بنا بر فضای باز سیاسی، فرصتی مغتنم به دست آمد تا ایشان نسبت به گذشته، با شکل روشن تری باور به مهدویت را بازنمایی نماید. نوشتار پیش رو می کوشد با رویکردی تحلیلی با استناد به کتاب نعمانی، رویکرد امام صادق علیه السلام را درباره مسئله مهدویت تبیین نماید. نعمانی از علمای متقدم شیعه در کتاب الغیبه، بخش زیادی از روایت های امام صادق علیه السلام را گرد آورده است. بر اساس این کتاب، رویکرد امام صادق علیه السلام را می توان در سه محور انکاری، اثباتی و تبیینی به بحث گذاشت. رویکرد انکاری بازتاب نفی حرکت های موعودگرایانه دوره امام صادق علیه السلام است که به صورت کلی در دو بخش انکار فردی و انکار رفتاری ظهور کرده است. رویکرد اثباتی، سه وجه اثبات وجود حضرت مهدی، غیبت حضرت مهدی علیه السلام و انتظار فرج را دربر می گیرد. رویکرد تبیینی شامل معرفی حضرت مهدی علیه السلام، غیبت حضرت مهدی علیه السلام و علائم ظهور می شود. این رویکرد موجب پدید آمدن یک مکتب خاص فکری و اعتقادی درباره مسئله مهدویت شد.

کلیدواژه ها: کتاب الغیبه، نعمانی، مکتب جعفری، مهدویت.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم. musavi.keramati@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۳۰

درآمد

در زمان امام صادق علیه السلام رویکرد گسترده و فراگیری نسبت به بسیاری از علوم مانند خداشناسی، اوصاف الهی، جبر و اختیار، و امامت و اوصاف امام پدید آمد. مهدویت نیز بنابر فعالیت‌های عملی و حتی جنبش‌های سیاسی که ذیل آن انجام گرفت در این عصر به صورت تخصصی و فراگیر، بسان یک رشته علمی پی نهاده شد. با نظر به حوادث این برهه از تاریخ، همچون قیام زید و نفس زکیه، روشن می‌شود که دوره امام صادق علیه السلام به شدت درگیر این مسئله بوده است. شاید تا پیش از آن، تاریخ اسلام چنین رویکردی از حیث اجتماعی درباره مهدویت به یاد نداشته باشد اما تحولات این دوره به گونه‌ای رقم خورد که مسئله مهدویت در کانون توجه گروه‌های اجتماعی و دینی جای گرفت. از این رو یکی از سؤالات جدی این عصر، مهدویت بود. از میان روایت‌هایی که نعمانی در *الغیبه* آورده طرح بیست پرسش است که به نوعی روایتگر فضای فکری جامعه آن روز است. نوع پرسش‌های مطرح شده به دو بخش کلی قابل تقسیم است. اول پرسش‌های اهل سنت (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۰-۲۶۱)، و دوم پرسش‌های شیعیان است. این مقاله بر آن است که چگونگی رویکرد امام صادق علیه السلام در آن برهه متلاطم سیاسی و اعتقادی را با نظر به کتاب *الغیبه* نعمانی مورد بررسی قرار دهد.

چند اثر در این باره نوشته شده است که برای نمونه می‌توان به کتاب *غیبت الامام المهدی عند الامام الصادق* اثر ثامر هاشم العمیدی اشاره کرد. وی به صورت کلی در سه محور شناخت حضرت مهدی قبل از ولادت، اندیشه غیبت قبل از وقوع آن و نقش امام صادق علیه السلام در پاسخگویی به شبهات غیبت و امام غائب به این موضوع پرداخته است. آنچه این نوشتار را با کتاب مذکور متفاوت می‌سازد نگاه رفتاری به رویکرد امام صادق علیه السلام در قبال مسئله مهدویت است در حالی که اثر ثامر هاشم عمیدی از منظر فکری و نظری به این موضوع نگریسته است. مقاله «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب *الغیبه* نعمانی» نوشته کاظم قاضی زاده و علیرضا مختاری اثر دیگری است که در این موضوع به رشته تحریر درآمده است. این مقاله مسئله حیرت شیعه در آغازین روزهای غیبت حضرت مهدی علیه السلام را بررسی کرده و تلاش کرده پاسخگوی شبهاتی باشد که تولد امام عصر را بر طبق عقیده شیعه منکرند. مؤلفان، مقاله را بر اساس باب دهم کتاب *الغیبه* نعمانی که درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام است سامان داده‌اند. روشن است که مقاله بالا نیز با این نوشتار کاملاً متفاوت است؛ زیرا این نوشتار از نظر موضوعی جزئی‌تر و از حیث محتوایی کلی‌تر از مقاله «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب *الغیبه* نعمانی» است.

کتاب الغیبه

الغیبه از کهن‌ترین آثار در موضوع مهدویت است. اهمیت این اثر از آن رو است که در فاصله کوتاهی از غیبت صغری به نگارش درآمد. در واقع کتاب الغیبه در مرز زمانی غیبت صغری و آغاز دوره غیبت کبری تألیف شد. نعمانی در بخشی از کتاب اشاره کرده است که اکنون هشتاد و چند سال از عمر امام زمان می‌گذرد که این سخن قرابت زمانی او را با دوران غیبت صغری نشان می‌دهد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). با توجه به جامعیت کتاب و همچنین شخصیت نگارنده الغیبه، از گذشته تاکنون در کانون توجه مطالعات مهدویت پژوهی قرار گرفته است. نجاشی که خود از نویسندگان گرانقدر آن زمان است، در معرفی شخصیت نعمانی، او را با اوصافی ممتاز و عالی ستوده است: «شیخ من أصحابنا عظیم القدر شریف المنزلة صحیح العقیده کثیر الحدیث» (۳۸۳: ۱۴۰۷).

همه عبارتهایی که نجاشی برای معرفی نعمانی از آنها استفاده کرده همچون شیخ، عظیم‌القدر، شریف‌المنزله، صحیح‌العقیده از فاخرترین کلماتی است که در دانش رجال برای توثیق یک محدث به کار گرفته می‌شود.

نجاشی سه کتاب الغیبه، الفرائض والرد علی‌الاسماعیلیه، از آثار نعمانی معرفی کرده و تصریح می‌کند که کتاب الغیبه نزد او موجود است (همان).

شیخ مفید نیز در بیان روایت‌هایی که از حضرت مهدی علیه السلام گرد آورده به کتاب الغیبه ارجاع داده است. او به این نکته تصریح می‌کند که کتاب الغیبه نعمانی به تفصیل درباره حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است (مفید، الارشاد: ۲/ ۳۴۹).

ماندگاری این اثر قطعاً نتیجه یک سلسله عواملی خاص است که آن را تا حد یک اثر برتر علمی بالا برده، به گونه‌ای که در طول تاریخ، نظر پژوهشگران عرصه مطالعات مهدویت پژوهی را به خود معطوف داشته است. از آن میان می‌توان عواملی چون نزدیکی به دوره غیبت صغری، کثرت روایات، کثرت طرق برای جبران ضعف راویان (نادری، ۱۳۹۱: ۱۸۱) و نظم و چیدمان تحسین‌برانگیز بخش‌های کتاب را برشمرد.

رویکرد امام صادق علیه السلام به مهدویت

امام صادق علیه السلام در مقام تبیین اصل مهدویت با توجه به ضرورت‌هایی که پدید آمده بود، رویکردی اتخاذ کرد تا با نیاز عقیدتی موجود متناسب باشد. مواجهه امام صادق علیه السلام با این اصل اعتقادی شیعه، از سه منظر رویکرد انکاری، رویکرد اثباتی و رویکرد تبیینی قابل بررسی است.

الف) رویکرد انکاری

امام صادق علیه السلام نسبت به جریان های انحرافی موعودگرایانه در ابعاد مختلفی رویکرد انکاری در پیش گرفتند. با توجه به حرکت هایی که در آن ایام شکل گرفته بود سیاست های انکاری امام صادق علیه السلام نیز متناسب با آن به دو صورت انکار فردی و انکار رفتاری بروز یافته بود.

۱- انکار فردی

مدعیانی به نام مهدی موعود علیه السلام در جامعه آن روز به پا خاسته بودند که از مهمترین آنها می توان به جریان زیدیه و اسماعیلیه اشاره کرد. امام صادق علیه السلام با روش های مختلفی کوشید تا جامعه شیعی را از گرویدن به آنها بازدارد.

۱-۱- زید

در یکی از روایت های نعمانی، از ادعای زید بن علی مبنی بر مهدویت یاد شده است. در منابع تاریخی غیر زیدی نشانی از این ادعا نیست. در میان زیدیانی نیز که گرایش به غیبت دارند، قائل به غیبت محمد بن عبدالله (نفس زکیه) هستند. جارودیه از فرق زیدیه در خصوص امامت نفس زکیه، معتقدند وی به قتل نرسیده و زنده است و روزی ظهور خواهد کرد (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۸۵، بغدادی، ۱۴۰۸: ۲۳، قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۲۰/ ۱۸۴). گروهی نیز بر آنند مهدی موعود، یحیی بن عمر فرزند یحیی بن حسین بن زید بن علی است (بغدادی، ۱۴۰۸: ۱۵۹، مفید، الفصول العشره: ۱۱۰).

۱-۲- محمد بن عبدالله (نفس زکیه)

قیام نفس زکیه، از قوی ترین تفکراتی است که به نام مهدی موعود در تاریخ اسلام ظهور کرد. گستردگی این تفکر در گفتگوی عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن مسور با جعفر بن سلیمان والی مدینه آشکار می شود. وقتی والی مدینه از عبدالله بن جعفر پرسید چرا با این همه فضل و علم به نفس زکیه پیوسته است. در پاسخ اظهار داشت هنگام خروج او تردیدی نداشتیم که او همان مهدی موعود است اما پس از آنکه کشته شد به اشتباهم پی بردم (ذهبی، ۱۴۱۳: ۹/ ۲۲). پدر او نیز بر این باور بوده است و با همین شعار مردم را به سوی فرزندش فرا می خوانده است که او مهدی است و باید با او بیعت کرد: «فهلّم نبایع محمداً، فقد علمتم أنّه المهدی» (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۲۲۴).

بنا به گزارش های تاریخی، امام صادق علیه السلام نیز برای بیعت با نفس زکیه دعوت شد اما ایشان قاطعانه پذیرش چنین بیعتی را رد کرد (همان، ۲۲۶). آنچه باعث شده بود تا عده ای به چنین

باوری از مهدی بودن نفس زکیه برسند وجود خالی سیاه برکتف او و همچنین همنامی وی با نام مهدی موعود است (همان، ۲۱۱). طبق روایتی مندرج در الغیبه، یزید بن ابی حازم در گفتگویی با امام صادق علیه السلام از جریانی به نام مغیریه از فرق مشهور غلات، خبر می‌دهد که به مهدی بودن نفس زکیه باور داشته‌اند (آمدی، ۱۴۲۳: ۵ / ۵۴). امام صادق علیه السلام با بیان اینکه مادر امام زمان کنیز و اسیر است چنین نسبتی را از اساس انکار کردند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰).

۱-۳- اسماعیل

نعمانی در الغیبه بابی را به صورت مستقل تحت عنوان «فی ذکر اسماعیل بن ابی عبد الله و الدلالة علی أخیه موسی بن جعفر» گشوده و در این فصل ۹ روایت نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۴).

پس از امام صادق علیه السلام در میان شیعیان فرقه‌ای به نام اسماعیلیه پدید آمد. فرقه‌ای که به امامت اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام معتقد شدند. البته آنان نیز به چندین فرقه انشعاب پیدا کردند که یکی از آنان به نام اسماعیلیه خالص شهرت یافتند. اسماعیلیه معتقد بودند اسماعیل از دنیا نرفته و هنوز زنده است و روزی ظهور خواهد کرد (نوبختی، ۱۴۰۴: ۶۸؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۸۰). نعمانی در ۴ مورد، یعنی احادیث شماره ۵، ۶، ۷، ۹ از این باب، بی‌هیچ اشاره‌ای به قضایای مهدویت، صرفاً روایاتی در جهت اثبات امامت امام کاظم علیه السلام را ذکر کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۷-۳۲۹). روشن است که او به دلیل وجود فرقه اسماعیلیه چنین روایاتی را جمع کرده است. به نظر می‌رسد شیعیان آن زمان به سبب بزرگتر بودن اسماعیل از سایر فرزندان امام صادق علیه السلام، به امامت اسماعیل گرایش پیدا کرده بودند. از این رو بی‌آنکه نصی بر امامت او دلالت کند، شیعیان او را امام پس از امام صادق علیه السلام پنداشتند. یکی از روایت‌هایی که نعمانی با ذکر آن به خوبی چنین مسئله‌ای را ترسیم کرده، روایتی است که در آن اسماعیل بن عمار در حضور امام صادق علیه السلام اعتقاداتش را عرضه کرد. او نوع باورش را درباره توحید و نبوت و امامت بیان کرد. پس از آنکه به امامت رسید و به نام هر کدام از امامان تصریح کرد، اعلام کرد پس از امام صادق علیه السلام به امامت اسماعیل معتقد است. امام صادق علیه السلام نیز همه باورهایش به جز امامت اسماعیل را تأیید کرد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۴).

مسئله دیگری که به نظر می‌رسد طبق آنچه نعمانی از آن خبر داده است در این ماجرا بی‌تأثیر نبوده شائبه وصیت امام صادق علیه السلام به امامت اسماعیل باشد. ولید بن صبیح طبق این روایت می‌گوید با فردی به نام عبدالجلیل درباره این قضیه بحث کردم او گفت که امام صادق علیه السلام به اسماعیل وصیت کرده است. وقتی ماجرا را به امام صادق علیه السلام گفتم ایشان در

واکنش به این قضیه چنین گفتند: ای ولید نه، به خدا سوگند اگر چنین کاری کرده‌ام به امامت ابالحسن موسی علیه السلام وصیت کرده‌ام (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۶).

در دو روایت دیگر به شرح ماجرای دفن اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام پرداخته است. در یکی از این روایت‌ها آمده که امام صادق علیه السلام بالای قبر فرزندش، برای او از درگاه الهی، طلب رحمت و مغفرت کرد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۷).

روایتی دیگر، اهتمام جدی امام صادق علیه السلام را برای اثبات مرگ اسماعیل نشان می‌دهد. طبق این روایت امام صادق علیه السلام هر آنچه جهت رفع این فهم نادرست لازم بود به کار بست تا کسی دچار اعتقادی نادرست در این باره نگردد. حضرت صادق علیه السلام هنگامی که سی نفر در خانه او حاضر شدند به داوود بن کثیر رقی گفت پرده را از روی اسماعیل کنار بزن تا از نزدیک بدون هیچ پوششی، مرگ او را بنگری. پس از آن، از همه حاضران در جلسه خواست تا از نزدیک شاهد مرگ اسماعیل باشند. امام صادق علیه السلام به همین نیز اکتفا نکرد پس از کفن کردن اسماعیل از مفضل خواست تا کفن را از صورت او باز کند. به مفضل گفت: اسماعیل زنده است یا مرده؟ مفضل گفت: او مرده است. پس از آن نیز هنگامی که اسماعیل را در قبر گذاشتند مجدداً از مفضل خواست کفن از روی او بگشاید و از همه حاضران خواست تا از نزدیک جسم بی‌جان اسماعیل را بنگرند سپس به جمع گفت آیا او زنده است یا مرده، همه به مرگ اسماعیل گواهی دادند. به دنبال آن امام صادق علیه السلام چنین گفتند: «پروردگارا شاهد باش و شما نیز شاهد باشید به زودی باطل اندیشان تردید می‌کنند و می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند. سپس به موسی علیه السلام اشاره کرد و گفت خداوند نورش را کامل می‌کند اگرچه مشرکان از آن ناخرسند باشند».

امام صادق علیه السلام پس از آنکه خاک بر فرزندش ریختند باز هم همین مسئله را تکرار کرد. و همگان را بر مرگ اسماعیل شاهد گرفت و فرمود: «این مرده خنوط شده و کفن شده در قبر چه کسی است؟ گفتیم: اسماعیل. گفت: خداوند تو شاهد باش» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۷).

با وجود اقدامات روشنگرانه امام صادق علیه السلام، باز هم عده‌ای به امامت اسماعیل گرویدند. به گزارش شیخ مفید آنها گروهی بی‌خبر بودند که نه در جرگه نزدیکان امام صادق علیه السلام بودند و نه از راویان ایشان به شمار می‌رفتند (مفید، الارشاد: ۲/ ۲۱۰).

۲- انکار رفتاری

دوره امام صادق علیه السلام دوره شتابزدگی تاریخ شیعه برای ظهور مهدی موعود علیه السلام است. همین امر موجب شد تا جامعه شیعی در حرکت‌های اجتماعی، دچار رفتارهای عجولانه شود. هر چند

نمی‌توان شرایط اجتماعی حاکم بر آن دوره خاص زمانی را نادیده گرفت اما باز با این حال، چنین تعجیلی موجب شد تا طمأنینه و شکیبایی در اتخاذ راهبردهای مکتبی از عده‌ای گرفته شود.

۱-۲- نفی تعیین وقت

یکی از اقداماتی که امام صادق علیه السلام جهت مقابله با این روند اتخاذ کرد، نفی تعیین زمان ظهور است. این امر، فرهنگی را پدید می‌آورد تا جامعه شیعی را از فروافتادن به رفتارهای شتابزده موعودباورانه مصون کند. نعمانی بابتی را تحت عنوان «ما جاء فی المنع عن التوقیت و التسمیه لصاحب الامر» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸) گشوده که حکایتگر گستردگی چنین راهبردی از جانب امام صادق علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمانی صادر کرد تا جامعه شیعی را از موضع منفعلانه در قبال حرکت‌های هیجانی و مقطعی موعودباورانه به یک موضع فعالانه و هوشیارانه سوق دهد. در یکی از این روایت‌ها امام صادق علیه السلام چنین فرمان داده است: «ای محمد هر کس به تو از زمان ظهور خبر داد بدون هیچ ترسی او را تکذیب کن. زیرا ما به هیچ کسی وقت ظهور را اعلام نکرده‌ایم» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۹، طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۶).

۲-۲- نفی تعجیل عجلانه

مهدویت در این دوره تبدیل به یک مطالبه عمومی میان شیعیان شده بود تا آنجا که حتی شیعیان در گمانه‌زنی‌های موعودباورانه‌اشان به ظهور امام صادق علیه السلام نیز امیدوارانه می‌نگریستند. چنین باوری در پرسش ابوحمزه از امام صادق علیه السلام نمودار است. ابوحمزه در پی آن است که ظهور در کدام یک از امامان تحقق می‌یابد، امام صادق علیه السلام یا فرزندش و یا نتیجه او (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). در گزارشی دیگر شخصی به نام خلاد بن صفار از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که آیا قائم به دنیا آمده است امام در پاسخ آن را نفی می‌کند به دنبال آن می‌فرمایند: «اگر او را درک می‌کردم قطعاً همه عمر خدمتگزارش می‌شدم» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵). به نظر می‌رسد امام صادق علیه السلام پس از مشاهده چنین وضعیتی بر آن شد تا در یک بسته معرفتی، ناشایستگی چنین تعجیلی را بنمایاند. امام صادق علیه السلام به منظور از میان بردن چنین آسیبی به مقابله با رفتارهای عجلانه برخاست و این نوع رفتار را محل باورهای موعودگرایانه خوانده است. ایشان با ایجاد این نوع نهادسازی رفتاری در فرهنگ مهدویت، هر نوع آسیبی که جامعه شیعی را دچار رفتارهای هیجانی می‌کرد با تدبیری هوشمندانه از میان برد. این امر نیز شیعه را در همه حوادث تاریخی به یک ثبات و حلم رفتاری از اندیشه موعودگرایانه رساند. نعمانی بابتی

گشوده است تحت عنوان «ما روی فیما أمر به الشيعة من الصبر و الكف و الانتظار للفرج و ترك الاستعجال بأمر الله و تدبيره» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۴) و عبارت ترك الاستعجال بر این امر دلالت دارد. او در این باب از میان روایت‌هایی که از امام صادق علیه السلام نقل کرده، پنج روایت را به چنین معنایی اختصاص داده است. البته نعمانی در باب ۱۶ نیز سه روایت دیگر در این موضوع آورده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸، ۲۹۴، ۲۹۶).

روایت زیر وضع ملتهب اجتماعی عصر امام صادق علیه السلام و پیگیری حوادث ظهور مهدی موعود از سوی شیعیان را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین این روایت چگونگی مدیریت امام صادق علیه السلام با نفی تعجیل عجولانه و ایجاد حلم موعودگرایانه را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد ظرف زمانی صدور این روایت، هنگام قیام عباسیان و پدیدار شدن پرچم‌های سیاه لشکر خراسانیان به فرماندهی ابومسلم خراسانی باشد. ابوبکر حضرمی می‌گوید من و ابان آنگاه که پرچم‌های سیاه خراسان نمایان شد خود را به امام صادق علیه السلام رساندیم و نظر او را در این باره جویا شدیم. امام صادق علیه السلام چنین فرمودند: «در خانه‌هایتان بنشینید اگر ما را دیدید که برگرد کسی جمع شده‌ایم آنگاه با سلاح به سوی ما بشتابید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷).

در روایتی دیگر پرسشگر مسئله ظهور، از طولانی شدن ظهور شکایت می‌کند. امام صادق علیه السلام ویرانگری و نابودگری رفتار عجولانه را با مفهوم هلاکت تعبیر می‌کند: «آرزومندان دروغ گفتند، تعجیل‌گران هلاک شدند و تسلیم‌شدگان نجات یافتند که به سوی ما باز خواهند گشت» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۸).

بنابراین رویکرد امام صادق علیه السلام به باور موعود نفی تعجیل عجولانه و اثبات تعجیل منتظرانه است.

ب) رویکرد اثباتی

امام صادق علیه السلام جهت توازن بخشی به باور مهدویت همه ابعاد فکری و رفتاری آن را به صورت فراگیر و منسجم به جامعه شیعه عرضه کرد تا همه ارکان اندیشه مهدویت از گزند تندروی و کندروی مصلحت‌اندیشانه و جاهلانه محفوظ بماند.

۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در این رویکرد امام صادق علیه السلام ظهور آن حضرت را یک امر قطعی و حتمی معرفی می‌کند. در روایتی از امام علی علیه السلام چنین آمده است: «خداوند در آخرالزمان مردی را از فرزندانم برمی‌انگیزاند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

۲- غیبت حضرت مهدی علیه السلام

غیبت از دیگر مفاهیمی است که امام صادق علیه السلام به صورت گسترده به آموزش آن پرداخته است. از یک سو مهدویت را به عنوان یک رکن پایدار جهت آمادگی شیعیان در آینده با غیبت امام زمان معرفی کرد، از دگر سو با این اصل به صورت غیر مستقیم باطل بودن مدعیان ظهور عصر خویش را نشان می داد. برای نمونه آن حضرت فرمود: «برای صاحب این امر غیبتی است که در آن غیبت چاره‌ای جز گوشه‌گیری نیست» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۰؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵۸ / ۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۲). در جای دیگری فرمود: «اگر به شما خبر رسید که صاحبان غیبت کرده‌اند آن را انکار نکنید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۸؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵۸ / ۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۲).

۳- انتظار فرج

مفهوم انتظار در برابر نفی کنش تعجیل عجولانه، چهارچوبی مشخص از نوع رفتار موعودباورانه در ساحت دین به وجود می آورد. امام صادق علیه السلام از یک سو با حذف تعجیل عجولانه، رفتارهای مقطعی را از ساحت اندیشه موعودگرایانه از میان برد و از دگر سو به منظور جلوگیری از بی تفاوتی و دور افتادن جامعه شیعی از تمنای مهدی موعود، فرهنگ انتظار را ساماندهی کرد تا در سطحی کلان، کنشی بردبارانه را برای برهه‌ای دراز مدت پدید آورد. در گذشته نیز بیان شد که نعمانی بابی گشوده است که در آن انتظار فرج و ترک الاستعجال در کنار هم آمده‌اند. امام صادق علیه السلام در روایتی، چنین از همگان دعوت می کند تا انتظار موعود را به عنوان یک رفتار پایدار در اعمال عبادی بگنجانند: «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۲؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳۸ / ۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۳، صدوق، ۱۳۹۵: ۳۳۷ / ۲).

در روایتی دیگر اهمیت مسئله انتظار را برای شیعیان برابر با درک حضرت حجت و حضور در خیمه ایشان دانسته است: «هرکس از شما بمیرد در حالی که منتظر ظهور باشد بسان کسی است که در خیمه قائم باشد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۷۳، عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۳۸ / ۲، صدوق، ۱۳۹۵: ۶۴۴ / ۲).

در جای دیگری فرمود: «هرکس دوست دارد که از اصحاب قائم باشد پس باید رفتاری پرهیزکارانه و اخلاقی نیکوکارانه داشته باشد. پس اگر او چنین بمیرد در حالی که منتظر بوده است و پس از آن قائم قیام کند اجرا و همانند اجر کسی است که او را درک کرده است. پس بکوشید و منتظر باشید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

ج) رویکرد تبیینی

تا پیش از امام صادق علیه السلام مسئله ظهور در پرده‌ای از اجمال بود اما در این برهه تاریخی بنابر حوادثی که رخ داد امام صادق علیه السلام این باور را از اجمال‌گویی برون آورد و به صورت تفصیلی آن را تبیین کرد چرا که همین اجمال‌گویی از مهدویت، زمینه را برای کج‌روی و حرکت‌های اغواگرایانه فراهم می‌ساخت. با تبیین تفصیلی از اعتقاد مهدویت این باور در جایگاه اطمینان بخشی از ثبات و انسجام اعتقادی قرار می‌گرفت و آمادگی‌های لازم فکری برای رویارو شدن با ناپیدایی امام شیعه نیز ایجاد می‌شد.

۱- معرفی حضرت مهدی علیه السلام

در این باره امام صادق علیه السلام چند نکته تعیین‌کننده جهت بالا بردن معرفت مهدوی جامعه شیعی می‌آموزاند. نخست بر این مسئله تأکید می‌ورزد که حضرت مهدی علیه السلام از ذریه امام حسین علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید که ایشان در سخنی درباره حضرت مهدی به او فرمودند: «ای علی علیه السلام به راستی که قائم از نسل تو و از فرزندان حسین علیه السلام است. او در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن چنان که از ظلم و جور پر شده است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

امام صادق علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام روایتی نقل می‌کند که ایشان در گفتگوی با امام حسین علیه السلام به او بشارت می‌دهد که حضرت مهدی از فرزندان تو است: «او از فرزندان توست که هیچ فرزندی مانند او نیست» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۵).

بدیهی است با نهادینه شدن این اصل حرکت نفس زکیه که از نسل امام حسن علیه السلام بود کاملاً به حاشیه رانده می‌شد.

امام صادق علیه السلام در یک بیان دقیقی از معرفی حضرت مهدی علیه السلام، سلسله‌ای را که او از آن به دنیا می‌آید نام برده است. قطعاً این کار در فروکش کردن جریان‌هایی که مدعی ظهور بودند، تأثیر خاصی ایجاد می‌کرد. یکی از عواملی که موجب شد تا عبدالله محض و دیگران در خصوص ظهور حضرت مهدی به گمانی ناروا، نفس زکیه را حضرت مهدی نامند همان‌امی او در اسم محمد با حضرت مهدی است. از این رو حضرت فرمود: «هنگامیکه سه نفر به نام محمد و علی و حسن پشت سر هم آمدند چهارمین نفر قائم خواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷، صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۳۳۴).

معرفی مادر حضرت مهدی علیه السلام یکی دیگر از اقداماتی است که امام صادق علیه السلام در این راستا انجام داده است. یزید بن ابی حازم گفتگویی با یکی از هواداران نفس زکیه را به اطلاع امام صادق علیه السلام می‌رساند که در پاسخ مشابهت نام نفس زکیه با پیامبر در اسم محمد و همنام بودن پدر او با نام پدر پیامبر چنین فرمود که این مشابهت در محمد بن عبدالله بن علی نیز وجود دارد اما در برابر این استدلال که مادر نفس زکیه کنیز و مادر محمد بن عبدالله بن علی آزاد است پاسخی برای آن نیافته است. اما امام صادق علیه السلام در رفع این شبهه وجهی دیگر از معرفی حضرت مهدی علیه السلام را نمایان کرد. حضرت صادق علیه السلام اسیر بودن مادر امام زمان را از خصائصی معرفی کرد که کاملاً نفس زکیه را از حضرت مهدی علیه السلام جدا می‌کند: «آیا نمی‌دانید که قائم فرزند زن اسیر است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰).

۲- غیبت حضرت مهدی علیه السلام

غائب بودن حضرت مهدی علیه السلام از آموزه‌های مهدوی است که در رویکرد امام صادق علیه السلام جلوه‌ای خاص یافته است. نعمانی بابی را تحت عنوان «ما روی فی غیبة الإمام المنتظر الثانی عشرع و ذکر مولانا امیر المؤمنین و الأئمة ع بعده و إنذارهم بها» گشوده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

۲-۱- قطعی بودن غیبت

امام صادق علیه السلام از غیبت امام عصر به عنوان یک امر قطعی و تخلف ناپذیر یاد می‌کند و ویژگی‌های آن را چنین به صورت دقیق شرح داده است: «به خدا سوگند قطعاً روزگاری در غیبت خواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). در جای دیگری فرمود: «غیبت او را انکار نکنید» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۸، کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵۳/۲، طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۱).

۲-۲- انواع غیبت

امام صادق علیه السلام موضوعات مختلفی از غیبت را به جامعه شیعه تعلیم داد که عبارت است از طولانی بودن و انواع غیبتی که برای حضرت مهدی پدید خواهد که امروز در ادبیات شیعه از آن با تعبیر غیبت صغری و غیبت کبری یاد می‌کنند. امام صادق علیه السلام در ۸ روایت، صراحتاً از دو نوع غیبت نام برده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «برای قائم دو غیبت است یک از آن دو طولانی و دیگری کوتاه است در غیبت اول جز خاصان شیعه به آن آگاه نیستند و در غیبت دوم جز دوستان خاص بدان آگاه نیستند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۰، کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۳۴۱).

۲-۳- چگونگی غیبت

امام صادق علیه السلام چگونگی این غیبت را نیز به تفصیل بیان کرده است. نخست آنکه به صورت عمومی حضرت مهدی علیه السلام از نظرها پنهان می شود و جز با شیعیان خاص آن هم به صورت بسیار محدود، این ارتباط وجود ندارد. آن چنان که در روایت بالا از آن سخن به میان آمده است و دو تعبیر «خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ» و «خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ» بر این امر دلالت دارد. دومین نکته ای که از روایات امام صادق علیه السلام قابل برداشت است حضور حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم اما در عین حال غائب بودن ایشان است که این تعبیر را می توان بر ناشناس بودن یا ناشناخته بودن حضرت مهدی علیه السلام استنباط کرد: «مردم امامشان را گم می کنند موسم حج که فرا می رسد او مردم را می بیند در حالی که مردم او را نمی بینند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۵، حلبی، ۱۴۰۴: ۴۳۲).

۳- علائم ظهور

علائم ظهور از مدخل های مهم موضوع مهدویت است که فرو گذاشتن آن در مطالعات موعودگرایی ممکن نیست. این بحث نیز در آموزه های امام صادق علیه السلام به صورت گسترده انعکاس یافته است. نعمانی بابی را به نام «ما جاء فی العلامات التی تکون قبل قیام القائم علیه السلام و یدل علی أن ظهوره یکون بعدها کما قالت الأئمة» نامیده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۷). نعمانی در این باب ۶۸ روایت ثبت کرده که ۳۷ روایت آن از امام صادق علیه السلام گزارش شده است.

حوادث رخ داده در زمان امام صادق علیه السلام ضرورت بازخوانی و بازیابی روشن تری از این علائم ایجاد کرد. آنچه در بیان علائم ظهور در خور توجه است تأکید امام صادق علیه السلام بر حوادث خارق العاده است. ایشان علاوه بر اینکه از خروج سفیانی، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه خبر داده اند، در کنار آن بر فرو رفتن زمین در بیداء^۱ و صیحه آسمانی نیز تأکید شده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام در روایتی چنین درباره علائم آخرالزمان فرموده است: «برای ظهور قائم علامت هایی است که عبارتند از ظهور سفیانی، ظهور یمانی، صیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در بیداء» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۲).

هر کدام از این علائم قابل تطبیق باشند صیحه آسمانی و فرو رفتن زمین در بیداء

۱. بیداء سرزمینی بین مکه و مدینه بود. بر اساس آنچه روایات شیعه و سنی گزارش کرده اند حادثه فرو رفتن زمین در این مکان، یکی از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۸ / ۶۰۸).

به گونه‌ای است که دست هر سوداگری را از این امر کوتاه می‌کرد. در این میان در کلام امام صادق علیه السلام بر صیحه آسمانی بیشتر تأکید شده و به نظر می‌رسد این مورد، مناقشه بیشتری نسبت به دیگر علائم میان گروه‌های اجتماعی آن عصر پدید آورده باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید صیحه آسمانی به نام حضرت مهدی علیه السلام و نام پدرش، ندا می‌دهد. البته امام صادق علیه السلام حضرت مهدی را با وصف قائم یاد می‌کند که به نظر می‌رسد نامی که با صیحه آسمانی ندا داده می‌شود نام محمد است چرا که در روایات نام حضرت مهدی علیه السلام را محمد نامیده‌اند: «نداء آسمانی از علائم حتمی ظهور است. راوی می‌پرسد آن ندا چگونه است؟ امام صادق علیه السلام پاسخ داد: منادی به نام قائم و نام پدرش صدا می‌زند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۷).

در روایتی دیگر واکنش اهل سنت به این قضیه نیز بازتاب داده شده است؛ در یکی از این روایت‌ها به صراحت لفظ عامه به کار رفته و در دیگری فقط لفظ عیب گرفتن یا انتقاد کردن به کار رفته است که شباهت معنایی هر دو روایت بر این معنا دلالت دارد. واکنش امام صادق علیه السلام در قبال این مسئله هر تردیدی را از عدم قطعیت این علامت می‌زداید. زیرا امام صادق علیه السلام با قاطعیت از حتمی بودن این اتفاق خبر می‌دهد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۰-۲۶۱).

نتیجه

بر اساس آنچه آمد روشن می‌شود که دوره امام صادق علیه السلام بنا بر تحولات خاصش، زمینه‌ای ویژه برای بروز رفتارها و اندیشه‌های موعودگرانه به وجود آورد. فضایی که در آن قطعاً جامعه شیعی به دلیل آمیختگی با بنیان‌های فکری و اعتقادی مکتبش، نمی‌توانست از پیامدهای آن برکنار باشد. از این رو ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی آن روز، ایجاب کرد تا طرحی کامل‌تر از آنچه در گذشته وجود داشته، ارائه گردد تا پاسخگوی نیازهای عقیدتی تاریخ شیعه در آن برهه متلاطم باشد. به همین سبب در میان امامان شیعه بر اساس آنچه محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به کاتب در کتاب ارزشمند خود به نام *الغیبه* گرد آورده است، بیشترین گزاره‌های اعتقادی درباره باور به مهدویت از امام صادق علیه السلام صادر شده است.

حضرت صادق علیه السلام در بازاندیشی اصل مهدویت با نگرشی وسیع و گسترده، همه آنچه از معرفت به این اصل بنیادین در مکتب شیعه وجود داشت بیان کرد. تبیین اصل مهدویت نه تنها برای آن دوران بلکه برای همه دوره‌های تاریخی شیعه، تأمین‌کننده نیازهای معرفتی باور

به مهدویت به شمار می‌رود. آنچه از بررسی رویکرد امام صادق علیه السلام به مسئله مهدویت به دست می‌آید نشانگر این حقیقت است که امام صادق علیه السلام در قبال مسئله مهدویت، رویکردی تفصیلی و جامع اتخاذ کرده است. رویکرد تفصیلی به گونه‌ای در رفتار امام صادق علیه السلام تجلی یافته که ایشان ناگفته‌ها و کم‌گفته‌های مقوله مهدویت را با تفصیل و تبیین کامل‌تر و افزون‌تری بیان کرده است به گونه‌ای که هر ابهامی را بزداید و اندیشه سوداگران از آن دور کند. رویکرد جامع نیز جامعیت در پرداختن محورهای متنوع مقوله مهدویت را در عملکرد امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد. این پردازش آن‌چنان گسترده است که تمامی عنوان مهم همچون غیبت و علائم ظهور و انتظار از مقوله مهدویت در آموزه‌های امام صادق علیه السلام دیده می‌شود.

منابع

- آمدی، سيف الدين (۱۴۲۳)، *ابكار الافكار فى اصول الدين*، تحقيق احمد محمد مهدى، قاهره، دار الكتب.
- ابن ابى شيبه (۱۴۰۹)، *المصنف*، تحقيق سعيد اللحام، بيروت، دارالفكر.
- ابن بابويه قمى (۱۴۰۴)، *الامامه والتبصره من الحيره*، تصحيح مدرسه امام مهدى، قم، مدرسه الامام المهدى.
- ابوالفرج اصفهانى (بى تا)، *مقاتل الطالبين*، تحقيق سيداحمد صقر، بيروت، دارالمعرفه.
- اشعري قمى، سعد بن عبد الله (۱۳۶۰)، *المقالات والفرق*، تصحيح محمد جواد مشكور، تهران، مركز انتشارات علمى و فرهنگى.
- بغدادى، عبدالقاهر (۱۴۰۸)، *الفرق بين الفرق*، بيروت، دارالجبل.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، *المحاسن*، تصحيح جلال الدين محدث، قم، دار الكتب الاسلاميه.
- حلبى، ابوصلاح (۱۴۰۴)، *تقريب المعارف*، قم، الهادى.
- ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (۱۴۱۳)، *تاريخ الاسلام*، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دارالكتاب العربى.
- شهرستانى (۱۳۶۴)، *الملل والنحل*، تحقيق محمد بدران، قم، الشريف الرضى.
- صدوق، محمد على بن بابويه قمى (۱۳۹۵)، *كمال الدين وتمام النعمه*، تصحيح على اكبر غفارى، تهران، اسلاميه.
- طوسى، محمد بن حسين (۱۴۱۱)، *الغيبه*، تصحيح عبادالله تهرانى و على احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلاميه.
- عياشى، محمد بن مسعود سمرقندى (۱۳۸۰)، *تفسير*، تصحيح سيدهاشم رسولى محلاتى، تهران، المطبعه العلميه.
- عميد، ثامر هاشم (۱۴۲۴)، *غيبت الامام المهدى عند الامام الصادق*، قم، مركز الرساله.
- قاضى زاده، كاظم و عليرضا مختارى (۱۳۸۶)، *احاديث غيبه در كتاب الغيبه نعمانى*، علوم حديث، قم، ش ۳، سال دوازدهم.
- قاضى عبدالجبار معتزلى (۱۹۶۵)، *المغنى*، تحقيق جورج قنوتى، قاهره، دارالمصريه.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۲۹)، *الكافى*، قم، دارالحديث.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد*، قم، كنگره شيخ مفيد.

- _____ (۱۴۱۳)، الفصول العشره فی الغیبه، تحقیق فارس تبریزیان، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- نادری، مرتضی (۱۳۹۱)، اعتبار و تداول کتاب الغیبه نعمانی، حدیث سفینه، ش ۳۷، سال دهم.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، رجال، قم، جامعه مدرسین.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴)، فرق الشیعه، بیروت، دار الاضواء.